

## بنزین شاهراه مشکلات

را که از سوی کارشناسان ارایه می‌شود مورد بررسی قرار داد و با استفاده از مدل‌های کاربردی در سطح بین‌المللی و بومی‌سازی آنها، یک مدل مناسب و کارآمد را شناسایی و ارایه کرد.

اثرات مخرب روانی اجرای این طرح و بحث نحوه تأمین رفاه عمومی از دیگر معایب اجرایی شدن طرح هدفمندی یارانه‌ها هستند. یک مدل مناسب که می‌توان در این راستا ارایه کرد این است که ابتدا با استفاده از فناوری اطلاعات، دهک‌ها را شناسایی نماییم و در مرحله بعد از دهک‌های غنی‌تر مالیات گرفته و مالیات‌های اخذ شده را به صورت یارانه به دهک‌های پایین پرداخت کنیم. در این مدل، دولت به عنوان مجری طرح، تأمین کننده بودجه یارانه‌ها نیست و این امر تعادل را در بازار به هم نخواهد زد.

اهداف تعریف شده برای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها که شامل مواردی همچون اصلاح الگوی مصرف، افزایش بهره‌وری، بالا رفتن عدالت اجتماعی، صرفه‌جویی و ذخیره انرژی برای آیندگان می‌شود، جهت دستیابی به هدفی کلی‌تر و مهمتر، یعنی توسعه اقتصادی است، لذا تمام زیرساخت‌های لازم برای اجرای این طرح، لزوماً باید فراهم باشند. به عنوان مثال در سال‌های اخیر، روند خصوصی‌سازی در کشور روندی صعودی بوده است، در حالی که هدفمند کردن یارانه‌های انرژی می‌تواند مسایل و مشکلات جدی برای بخش خصوصی در مجموعه‌های حساس کشور از جمله صنعت ایجاد کند.

از طرفی، تولید انرژی - به ویژه سوخت - در کشور، علیرغم وسعت منابع طبیعی و زیرزمینی، همواره به عنوان یکی از چالش‌های پیش روی دولت مطرح بوده است که با توجه به تحریم‌های بین‌المللی ایران، این مشکل می‌تواند حادتر شود. لذا باید به نوعی بحث تولید انرژی را در کشور حل کرد تا بتوان در موضوع هدفمند کردن یارانه‌ها برای کشور به نوعی مؤثر و کارساز عمل نمود. ■

همانگونه که به خاطر داریم، افزایش قیمت بنزین در اثر حذف یارانه آن، مشکلات زیادی را در بخش حمل‌ونقل - چه در سطح خرد و چه در سطح کلان - برای کشور ایجاد کرد که تداوم این امر، این مشکلات را تشدید می‌کند. طبق آمار جهانی، بیش از ۹۰ درصد حمل‌ونقل دنیا از طریق دریا انجام می‌شود. پس افزایش قیمت سوخت به معنی افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل کشور در سطح بین‌المللی است که هزینه‌های بازرگانی و به تبع آن قیمت کالاهای وارداتی هم افزایش خواهد یافت که نتیجه نهایی آن، ایجاد تورم در کشور است. لذا لازم است این گونه مشکلات، قبل از اجرای طرح پیش‌بینی شوند و راهکارهای کارآمدی در این خصوص ارایه شوند. به طور کلی می‌توان سه مزیت عمده برای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها ذکر کرد که این سه مزیت عبارتند از گسترش عدالت در سطح جامعه، اصلاح الگوی مصرف و توجه به دهک‌های پایین.

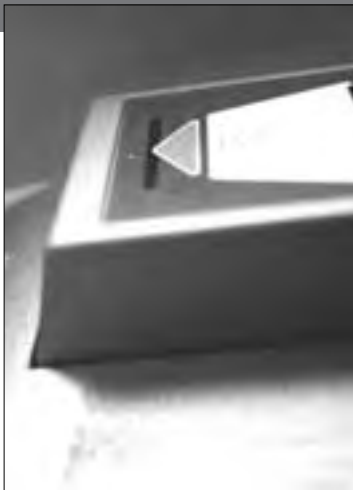
## راهی جدید

موارد مذکور اگرچه به عنوان انتظار و هدف دولت از اجرای طرح هدفمندی می‌باشند، اما این که تا چه حد به آنها دست یابد در گرو نحوه اجرای طرح خواهد بود. در این راستا در جهت توجه به دهک‌های پایین جامعه باید گفت اولین معضل در این مسیر، بحث شناسایی این قشر است و استفاده از فناوری اطلاعات بهترین راهکار برای این امر است. پرسش اطلاعات زندگی افراد از خود آنها، ممکن است به اطلاعات درستی و دقیقی ختم نشود، لذا زمانی که تمام مشخصات و فعالیت‌های افراد در یک سیستم متمرکز شود، به صورت کاملاً خودکار، آمار درآمد، خرید و تمامی وضعیت هر فرد در آن ثبت خواهد شد و این امر، امکان تفکیک دهک‌های جامعه را هم فراهم خواهد کرد. البته در این زمینه باید پروژه‌ها و طرح‌های مختلفی

## الکترونیک در بازار پول

## پول‌های نوری

## جایگاه تکنولوژی اطلاعات (IT) در رفع بحران‌های پولی از نگاه آقای ابوالفضل امینیان، مدرس دانشگاه



در دنیای مدرن امروز، با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، به تدریج استفاده از پول کاغذی غیراقتصادی است و از شکل کلاسیک خود به پول الکترونیک تغییر شکل داده است. اما این رویداد هنوز در کشور ما جایی ندارد.

سؤال آن است که حجم مبادلات انجام شده در ایران با استفاده از پول الکترونیک، چه نسبتی از کل مبادلات اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهد؟ پاسخ دقیق و علمی به این سؤال، انجام مطالعات گسترده‌ای را طلب می‌کند، اما واضح است که نسبت یادشده، عدد چندان بزرگی نیست. عموم کاربران کارت‌های اعتباری، صرفاً جهت خریدهای روزمره خود از خدمات بانکداری الکترونیک بهره می‌گیرند و سایر مبادلات از قبیل پرداخت دستمزدها، قراردادهای تجاری، خریدوفروش دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها غالباً با استفاده از پول نقد و یا چک‌های بانکی صورت می‌گیرند.

مسئله بسیار مهمی که باید در این حیطه مدنظر باشد آن است که تعاملات اقتصادی دولت (به معنای عام آن)، چه با مردم و چه در خود دولت با استفاده از سیستم سنتی بانکداری صورت می‌گیرند که با توجه به دخالت‌های اقتصادی گسترده دولت، موضوعی قابل تأمل است و این به معنای سهم بسزای دولت در عقب‌ماندگی سیستم پولی کشور از راهکارهای مدرن مبادلاتی است. مهمترین دستاوردهای استفاده از پول الکترونیک در کشور ما عبارتند از:

کاهش هزینه مبادلات و سایر عملیات پولی، افزایش عرضه سپرده‌های دیداری، ایجاد

یکی از مهمترین ویژگی‌های اقتصادی ایران که انگیزه‌های لازم را برای جامعه اقتصادی کشور در استفاده از پول الکترونیک فراهم می‌آورد، بوروکراسی دولتی ایران است.

بخش عمده اقتصاد ایران تحت مالکیت و مدیریت دولت قرار دارد، پس بدیهی است که بدنه دولت، شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی، نسبت بزرگی از کل مبادلات اقتصادی را طی یک دوره مالی انجام دهند. اما آیا یک شرکت دولتی انگیزه‌ای برای استفاده از پول الکترونیک دارد؟

اتخاذ یک تصمیم ساده در یک سازمان دولتی، با توجه به ساختار بوروکراتیک عریض و طویل حاکم بر مناسبات داخلی آن، مدتی بسیار زیاد به طول می‌انجامد. در

فروش نفت، منبع مالی قدرتمندی را در اختیار دولت‌های ایران قرار داده که این امر در کنار فقدان قوانینی که به طور قاطع، دولت را از استفاده بیش از حد از منابع نفتی منع کند، موجب می‌شود که بخش اصلی بودجه سالانه دولت از محل درآمدهای نفتی تأمین گردد. گذشته از اثرات مخرب این مکانیزم تأمین بودجه در اقتصاد ایران، یک پیامد قابل تأمل دیگر، عدم وابستگی مالی دولت به درآمدهای مالیاتی است. به عبارت دیگر، مخارج دولت در کشور ما از محل درآمدهای ایجاد شده در نظام اقتصادی داخل تأمین نمی‌شوند. بسیار طبیعی است که دولت‌ها در چنین کشوری حساسیت چندانی نسبت به طراحی و اجرای سیستم‌های مالیاتی کارآمد از خود بروز ندهند. عدم اجرا یا ایجاد تغییرات سلیقه‌ای در طرح‌ها و اصلاحیه‌های مربوط به نظام مالیاتی کشور، مؤید این موضوع است.

### دولت بزرگ، صنایع کوچک

علت ثانوی که موجب بی‌اعتنایی دولت به ایجاد و تقویت سیستم مالیاتی می‌شود، اندازه خود دولت است. بزرگ بودن دولت و گستردگی دخالت‌های آن در اقتصاد ملی، هم‌ارز است با زیان‌ده یا کم سود بودن اکثریت بنگاه‌های تولیدی که تحت مالکیت دولت قرار دارند که طبعاً توان پرداخت مالیات بر سود را هم نخواهند داشت. از سوی دیگر، دولت به عنوان انحصارگر در اکثر صنایع قد علم می‌کند و به راحتی مانع از ورود بنگاه‌های متعلق به بخش خصوصی - که به طور بالقوه توان پرداخت مالیات بر سود را دارند - به صنایع مختلف می‌شود. بنابراین در نهایت امر، چنین اقتصادی به دلیل کم بودن تعداد بنگاه‌های سودده، اصلاً امکان اخذ مالیات بر سود را - به عنوان یکی از منابع اصلی تأمین درآمد برای دولت - ندارد. در چنین شرایطی، دولت‌های



ایران انگیزه‌ای برای ایجاد سیستم‌های پولی الکترونیک که بتواند، علاوه بر ارتقای کارآمدی پولی ابزاری نظارتی بر رفتار مؤدیان مالیاتی نیز باشند را ندارند.

ناآگاهی و بی‌اعتمادی مردم هم عامل دیگری در جهت عدم توسعه نظام پولی الکترونیک است. در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، اصولاً رویکرد عامه مردم نسبت به فناوری‌های جدیدی که بر مناسبات اجتماعی متعارف تأثیر می‌گذارد، چندان مثبت نیست. این که به افراد عادی گفته شود پول می‌تواند در داخل فیبرهای نوری به صورت دیتا حرکت کند و نیازی نیست که آن را به صورت نقد یا دسته چک در جیب یا کیف پول خود حمل کنید، یا این که برای انجام انواع عملیات بانکی می‌توانید از طریق اتصال به اینترنت عمل کنید، به سختی مورد پذیرش واقع می‌شود.

علل عمده این عدم پذیرش را شاید بتوان در ناآگاهی مردم از روش‌های استفاده از فناوری جدید و در نتیجه میل به حفظ روش‌هایی که به آن عادت دارند و بی‌اعتمادیشان به امنیت و ضمانت اجرایی تعهدات مجریان این گونه سیستم‌ها - که البته گاهی از عملکرد غیرمسئولانه مؤسسات پولی در گذشته نشأت می‌گیرد - دانست. بدون شک، آموزش روش‌های استفاده از فناوری‌های جدیدی که دارای اثرات خارجی مثبت هستند، در محدوده وظایف دولت قرار دارد و همان‌طور که گفته شد، دولت‌ها در ایران انگیزه چندانی برای سیاست‌گذاری در جهت اشاعه این نوع خاص از تکنولوژی را ندارند. لذا گسترش پول الکترونیک نیاز به تحولات و اصلاحات عمیقی دارد. ■

این صورت، اصلاً مسأله سرعت انجام مبادله، به عنوان فاز نهایی کار، اهمیتی در مقابل زمان صرف شده برای تصمیم‌گیری نخواهد داشت. در واقع، نتیجه عدم اداره بنگاه‌های دولتی توسط مدیریت حداکثر سازنده سود، این است که تمامی عوامل تولید و از جمله زمان، بسیار کمتر از ارزش واقعی (بازاری) آنها ارزش‌گذاری می‌شوند، در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت در بدنه دولت، انگیزه قوی جهت بهره‌گیری از پول الکترونیک از نقطه‌نظر کاهش هزینه‌ها وجود داشته باشد. این نتیجه با توجه به این که حجم دخالت‌های اقتصادی دولت در ایران بسیار گسترده است، بدین معنی است که بخش اعظم اقتصاد کشور علاقه‌ای به استفاده از پول الکترونیک ندارد.

اقتصاد زیرزمینی، عامل دیگری است که با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد اقتصاد ایران و وابستگی به درآمدهای نفتی در کنار جمعیت بالا در کشور ما بسیار رواج دارد. این دو عامل در کنار هم تقاضای زیاد و متنوعی را برای کالاهای مصرفی به طور مداوم ایجاد می‌کنند. با توجه به میزان ظرفیت‌های تولیدی مورد استفاده در داخل کشور که به دلایل مختلف - علی‌الخصوص دخالت گسترده اقتصادی دولت و در نتیجه کاهش کارایی در تولید و عدم رقابت‌پذیری تولیدات داخل - تقاضای داخلی را ارضا نمی‌کند، واردات کالا و خدمات نقشی حیاتی در زندگی ایرانیان عهده‌دار است. سیاست‌های تجاری کشور در این رابطه بسیار مهم هستند. در حال حاضر، بر بسیاری از کالاهای وارداتی تعرفه‌های وارداتی بالا وضع می‌گردد که این امر منجر به ایجاد تفاوت فاحش قیمت کالاهای وارداتی در دو طرف مرزهای ایران گردیده است. این تفاوت به قدری زیاد است که عده کثیری از اشخاص، در عکس‌العملی کاملاً طبیعی و منطقی به وارد کردن مخفیانه (قاچاق) این‌گونه کالاها با هدف بهره‌مند شدن از تفاوت قیمت موجود روی آورده‌اند که تداوم این مسأله طی دهه اخیر به بزرگ شدن بخش قاچاق کالا در کشور انجامیده است.

برخی آمارهای غیر رسمی، سهم قاچاق (اقتصاد زیرزمینی) را از اقتصاد ایران در حدود ۴۰ درصد در بعضی دوره‌ها تخمین زده‌اند. واضح است اشخاص حقیقی یا حقوقی که به این نوع از کسب و کار اشتغال دارند به دلیل ارتکاب مداوم به جرم، میلی به استفاده از پول الکترونیک ندارند و در واقع، قرار گرفتن شاغلین به فعالیت‌های زیرزمینی در یک شبکه پولی الکترونیک، می‌تواند شرایط را برای آشکارسازی فعالیت‌های اقتصادی پنهان آنان فراهم آورد.

عامل دیگر، رانت‌های اطلاعاتی و مفسد اقتصادی است. یکی از واقعیات غیرقابل انکار ساختار اقتصادی کشور، وجود رانت‌های اطلاعاتی و مفسد اقتصادی ناشی از آنها است. این رانت‌ها بدون شک حاصل کارکرد مکانیزم‌های برنامه‌ریزی متمرکز دولتی است که عدم شفافیت اطلاعات و توزیع ناعادلانه این عامل مهم در تصمیم‌گیری اقتصادی را به همراه دارد. بدیهی است افرادی که با ساختار تصمیم‌گیری کشور، روابط مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشند از اطلاعاتی برخوردار می‌شوند که سایر مردم از داشتن آن محرومند.

اینجا است که به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که بازیگران صحنه بازار در چنین شرایطی، هیچ علاقه‌ای به ایجاد هرگونه شفافیت و از جمله یک سیستم پولی شفاف مانند سیستم پولی الکترونیک که نظارت بر مبادلات از طریق آن بسیار ساده و سریع صورت می‌گیرد، نداشته باشند و چه بسا مقاومت‌های فراوانی نیز در برابر ایجاد آن انجام دهند.

به علاوه، عدم اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی و درآمدهای معتابه حاصل از